

بیک رضوان

دانگان

نشریه فرهنگی مذهبی بیک رضوان شماره چهل و هفتم
ویژه بهمن ماه سال ۱۳۹۳ شمسی ۱۴۲۶ هجری قمری

امام رضا علیه السلام : هر کس نتواند به زیارت من باید، برادرم را در ری یا خواهرم را در قم، زیارت کند
که ثواب زیارت مرا در می یابد.

بهای نشریه ذکر صلوت جهت سلامتی آقا امام زمان مع الله تعالیٰ فرموده شد

این نشریه حاوی اسماء متبرک است

چرا در میان غذا ، باید آب بخوریم؟

امام رضا علیه السلام می فرمایند: هر کس می خواهد معده اش اور را آزار ندهد، میان غذا خودن آب نتواند.

و در قسمت بعد همین روایت می فرمایند: هر کس چنین کند، رطوبت در بدن می نشیند و معده اش ضعیف می شود و رگ ها نمی توانند نیروی موجود در غذا را بگیرند. چه، اگر پی در پی آب به معده ریخته شود، معده فراخ می گردد.

(كتاب طب الرضا عليه السلام صفحه ۳۵) معده بر روی غذا چند عمل مهم انجام می دهد که مصرف آب و مایعات خنک این چند عمل را تحت تأثیر منفی قرار می دهد، این اعمال عبارتند از:

۱ - مالش و سایش با فشار زیاد از طریق عضلات صاف و چین های سطح معده و همچنین پرزهای آن، که این فرآیند با مصرف آب و مایعات سرد بعلت انساع معده خشی می شود و در نتیجه هضم نشده وارد روده ها می گردد و ایجاد نفخ شدید می نماید.

۲ - اثر اسید هیدروکلریدریک روی غذای خورده شده که باعث تجزیه مولکولهای بزرگ به مولکولهای کوچک قابل جذب برای سلولها می شود و این فرآیند بوسیله مصرف آب و مایعات سرد مایبنین غذا خوردن، بعلت خشی سازی اسید، مهار می گردد و در نتیجه مولکولهای بزرگ غیر قابل حضور آن سورج جهانیان و فیق شفیق آمت باشند. بر این اساس علما (علیهم السلام) حکایتگر رسالت ویژه و تکلیف حساس و خطیر علما رود درست نیست.

۳ - آب یا مایعات سرد مایبنین غذا موجب کاهش درجه حرارت معده شده و موجب کاهش عملکرد واکنش های شیمیایی اسید معده و همچنین آنزیم های مختلف معده می گردد، لذا غذای خورده شده بدسترسی هضم نمی شود و موجب هضم این مواد توسط میکروب های روده ی بزرگ شده و نفخ شدید ایجاد می نماید.

۴ - اسید معده و آنزیم های هضم کننده پروتئین ها، چربی ها و قند ها توسط مصرف آب و مایعات خنک در بین غذا را واقعی می گیرد.

عملکرد همه این مواد کاهش یافته و هضم کامل صورت نمی گیرد.

۵- مرتدان (آل عمران ۱۱۶-۸۶) و مشرکان (آل عمران ۱۱۷-۳) متناسب برای جذب آهن، ویتامین C و پسیاری از سایر ویتامین ها و ph م مواد مکمل همان ph طبیعی اسید معده در اثر مصرف آب و مایعات سرد این ph بهم می خورد و بدن از جذب این مواد بسیار مهربانی ماند.

۶ - کاهش انرژی سلولی در سلولهای سطح معده و روده ها و همچنین سلولهای عضلانی جدار معده و روده در اثر کاهش دمای محیط از ۳۷ درجه سانتی گراد که بهترین دما برای بالاترین عملکرد این سلولهای است، و در نتیجه تنبلی روده ها و به دنبال آن بروز بیوست مزمن است که در معارف بیک نیووند کسانی از علماء که بعد از غیبت قائم ما به او دعوت کنند و بر او دلالت نمایند و از دین او با دلایل خداوند دفاع کنند و بندگان ضعیف خداوند را از دامهای ابلیس و سرکشان او، رها سازند و از شبکه ناصیبان خلاص نمایند. هیچ کس نمی ماند مگر اینکه از دین بر می گشت ولی اینان هستند که زمام دلهای شیعیان ضعیف را به دست سکونت دارند.

۷- دشمنان خدا و پیامبر (ص) (توبه ۶۳)

«اگر نیووند کسانی از علماء که بعد از غیبت قائم ما به او دعوت کنند و بر او دلالت نمایند و از دین او با دلایل خداوند دفاع کنند و بندگان ضعیف خداوند را از دامهای ابلیس و سرکشان او، رها سازند و از شبکه ناصیبان خلاص نمایند. هیچ کس نمی ماند مگر اینکه از دین بر می گشت ولی اینان هستند که زمام دلهای شیعیان ضعیف را به دست سکونت دارند.



وظایف خواص و علماء در عصر غیبت (قسمت دوم)

علمای اسلام و رهبران فکری فرهنگی جامعه اسلامی مکرر در روایات مورد تعریف و تجدید قرار گرفته و شأن والا آنان گوشزد شد

است پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «جایگاه و منزلت

فقیه در این وقت غیبت مانند جایگاه و منزلت افراد مسالمات

است». علماء و اوثان انبیاء، حضون اسلام و حجت های ائمه (علیهم السلام) بر مردم هستند. بیان این مقام و منزلت از زبان معصومین

(علیهم السلام) حکایتگر رسالت ویژه و تکلیف حساس و خطیر علما

رود درست نیست.

۲. دلیل دوم این است که بر خداوند قبیح است که بندۀ خود را به خاطر یک

خطا و یا چند خطأ که از او سر زد، با این که ایمان و عمل صالح دارد برای

همیشه در جهنم نگهدارد و با کسی که در تمام عمر مشرک و کافر بوده است یکجا عذاب نماید و امر قبیح و نشت نسبت به خداوند محال است و از

حقیقی «همان الله جل جلاله می باشد که محدود به حدی نیست. لذا سیر تکاملی بشر نیز چون «آنالیه راجعون» است، حدی ندارد که

بدان متوقف شده و بگوید این آخرین است. هر چه رشد کند، هر چه

بیشتر وجودش تجلی کمالات گردد، باز به پایان یا آخر نمی رسد.

چنان چه هیچ کس نمی تواند در این عالم (یا حتی عالم دیگر) به آخر

علم یا ثروت و غنا بررسد و اگر تمامی علوم و سرمایه ها را نیز یک جا

جمع کنند و به کسی بدهند، باز هم جای بیشتر شدن دارد و آخرین

نیست. پس فرض آخر و پایان، یک خطای تصور ذهنی است و نه یک

ضرورت عقلی. آیا یک جا ماندن بی میلی (زدگی) نمی آورد؟ البته که

یک جا ماندن، بی میلی و زدگی می آورد. آن هم برای انسانی که به

قول شما، میل به بی نهایت دارد. اما دقت شود که یک جا ماندن یعنی

۱۱

هم بهشت طبقات و درجات دارد و هم جهنم. اما تفاوت سیر در این طبقات و درجات در این است که کسی که وارد بهشت شد، هیچگاه از آن اخراج یا خارج نمی شود، اما دلیلی نیست که هیچ کس در هیچ شرایطی از جهنم خارج نگردد.

بدیهی است که انسان دارای باورهای اعتقادی و نیز رفتارهای

عملی می باشد. پس هر کدام ثواب یا عقاب مخصوص خود را دارند. از این رو کسانی که در زندگی دنیوی اعتقادی به پروردگار عالم، مبدأ و

معاد، نبوت و ولایت نداشتند، در این دنیا سیر قهقهای طی کرده اند خداوند متعال برای آنان «خلود = جاودانگی» در جهنم را وعید داده است.



کار انسان به کجا می رسد؟

اگر نگاه به آن عالم نیز نگاه مادی و فیزیکی باشد، قطعاً این سوال پیش می آید که آخرش کجاست؟ یا آخر کار انسان کجاست؟ چرا که

عالی ماده محدود است و به بیان امیرالمؤمنین علیه السلام: «هر محدودی قابل شمارش است»؛ چنان چه برای طبیعت آخری بیان شده

است، چه در علوم قرآنی و چه در علوم تجربی. چنان چه در عالم نگاه عاقلانه، حکیمانه و غیر مادی، یعنی معنوی باشد، آخری ندارد، چنان چه هیچ

یک امور غیر مادی گنبدی ندارند. انسان می تواند با استناد به آیات قرآن کریم و یا تجربیات عملی بگوید که آخر خورشید خاموش شدن است و یا آخر زمین متلاشی شدن در فضاست، اما در معنویات چنین

نمی باشد؛ آخر علم کجاست؟ آخر زیبایی کجاست؟ آخر قدرت کجاست؟ آخر ثروت و غنا کجاست و ...؟ بدیهی است که حدی ندارند،

چرا که اینها همه کمالات هستند و تجلی آن هستی محض. «کمال

حقیقی» «همان الله جل جلاله می باشد که محدود به حدی نیست. لذا سیر تکاملی بشر نیز چون «آنالیه راجعون» است، حدی ندارد که

بدان متوقف شده و بگوید این آخرین است. هر چه رشد کند، هر چه

بیشتر وجودش تجلی کمالات گردد، باز به پایان یا آخر نمی رسد.

چنان چه هیچ کس نمی تواند در این عالم (یا حتی عالم دیگر) به آخر

علم یا ثروت و غنا بررسد و اگر تمامی علوم و سرمایه ها را نیز یک جا

جمع کنند و به کسی بدهند، باز هم جای بیشتر شدن دارد و آخرین

نیست. پس فرض آخر و پایان، یک خطای تصور ذهنی است و نه یک

ضرورت عقلی. آیا یک جا ماندن بی میلی (زدگی) نمی آورد؟ البته که

یک جا ماندن، بی میلی و زدگی می آورد. آن هم برای انسانی که به

قول شما، میل به بی نهایت دارد. اما دقت شود که یک جا ماندن یعنی

«سکون»، که عاقبت موجب فساد نیز می شود (همان دلزدگی خود

نوعی فساد در شوق است)، اما در بهشت سکونی نیست که خستگی و دلزدگی بیاورد، بلکه «ثبات» است و معنای این دو خیلی با هم فرق

دارد. انسان از این که مثلاً ده ساعت روی یک صندلی بنشیند و به یک منظره نگاه کند، خسته و دلزدگی می شود، اما هیچ گاه از ثبات

وجودی خود یا ثبات عقل و ایمانی خود، خسته و دلزدگی نمی شود.

متاسفانه، اغلب ما مردم (مسلمان یا اهل کتاب و معتقد به بهشت و

جهنم)، نه جهنم را درست شناخته ایم و نه بهشت را؛ لذا گمان می کنیم که بهشت یعنی کاخی در وسط یک جنگل سبز و مملو از انواع و اقسام خودرنی ها، و سایر لذاتی که براي بدن بهشتی است.

سایت تبیان

۱

بخش قرآن تبیان

۳

فَلَمَّا حَرَامٌ

اہل بہشت چنین صفاتی دارند

بہمن ۱۳۹۳ Jan 2015	
۳	سفر حضرت امام حسن عسکری (ع) به جرجان
۴	ولادت حضرت عبدالعظیم حسنی علیه الرحمه (۱۷۳ هـ)
۵	مرگ هشام بن عبد الملک (ع) قاتل
۶	حضرت امام محمد باقر (ع) (۱۲۵ هـ)
۷	۸
۸	ولادت حضرت امام حسن عسکری (ع) (۲۳۲ هـ)
۹	وفات حضرت مصصومه (ع) (۱۴ هـ)
۱۰	چهارم ، هر وقت سخن می گویند: "ان شاء الله" بر زبان می آورند و به قضای خداوند راضی می شوند و من نمی توانم کار آنها را از هم پاشم ، آنان رنج و رحمت مرا ضایع می کنند.
۱۱	پنجم ، از صبح تا شام تلاش می کنم تا اینان را به معصیت بکشانم . باز چون شام می شود، توبه می کنم و زحمات مرا از بین می برند و خداوند به این وسیله گناهان آنان را می آمرزد.
۱۲	ششم ، از همه اینها مهمتر این است که وقتی نام تو را می شنوند با صدای بلند "صلوات" می فرستند و من چون ثواب صلواترا می دانم ، از ناراحتی فرار می کنم : زیرا طاقت دیدن ثواب آن را ندارم
۱۳	هفتم : ایشان وقتی اهل بیت تو را می بینند، به ایشان مهر می ورزند و این بهترین اعمال است. پس حضرت روی به اصحاب کرده و فرمودند: هر کس یکی از این خصلت ها را داشته باشد از اهل بہشت است
۱۴	انسان خجالت زده !
۱۵	یکی از خلفاء غلامی داشت که سخت مورد توجه و علاقه خلیفه بود و خلیفه او را بسیار دوست داشت. روزی ناگهان غلام بیمار شد و روز به روز بیماری اش شدت بیشتری پیدا کرد، خلیفه پزشکان را از سراسر کشور به پایتخت دعوت کرد تا غلام را معالجه کنند. پزشکان آمدند و غلام را معاینه کردند و داروهای مختلفی را به وی خورانیدند، اما غلام بیمود نیافت. روزی طبیبی به بالین غلام رفت و او را معاینه کرد و حدس زد که بیماری او باید منشاء روحی و روانی داشته باشد. بنابر این اطاق را خلوت کرد و از غلام پرسید: چه حادثه ای اتفاق افتاده که تو را به این روز انداخته است. غلام چند لحظه فکر کرد و عاقبت لب به سخن گشود و گفت: چند نفر از دشمنان سلطان را تحریک کردن که در شراب او سم بربزم و خلیفه سم ریختم و آن را به خلیفه دادم . اتفاقا خلیفه متوجه شد که شراب به زهر آلوده است و آن را ننوشید. من منتظر بودم که حاکم مرا به شدت کیفر و قصاص می نماید. اما او نه تنها مرا مجازات نکرد، بلکه احسان و محبت خود را نسبت به من بیشتر نمود، به طوری که من از شدت شرسمازی بیمار شدم . بیماری من بیماری شرسمازی و خجالت است. این بیماری درمان ندارد و تا وقتی که نمیرم ، خجالت زده باقی خواهد ماند.
۱۶	وقتی که حجابت را کاملاً رعایت می کنم، به نگاه نایاک و آلوده نامحرمان اجازه ورود به حریم مقدس عفاف خود را نداده ای ، نه اینکه خودت را مقيد و محدود ساخته باشی . و تمام خیانت ها و گناهان و کارهای زشتی را می دیده اما برداری فرموده و بر احسان و انعمش می افزوده و نعمت هایش را بیشتر ارزانی می داشته است قلب سلیم : ج ، ۱ ص
۱۷	۱۸
۱۹	۲۰
۲۰	ورود قصر در عقرب ساخت ۱۰:۱۵
۲۱	پروژی انتقال اسلامی ایران و سقوط نظام شاهنشاهی (۱۳۵۷ هـ ش) (تعطیل)
۲۲	وقات موسی مبرقع فرزند حضرت امام جواد (ع) مقبره ایشان در محل اختران قم مشهور است درج قدر از عقرب ساخت ۱۰:۱۵
۲۳	۲۴
۲۴	۲۵
۲۵	۲۶
۲۶	۲۷
۲۷	۲۸
۲۸	۲۹
۲۹	۳۰ مرگ خالدین ولید (ع) (آخر ربیع الثانی)

حجاب (گل عفاف)

هیچ باغبانی را سرزنش نمی کنند که چرا دور باغ خود حصار و پرچین کشیده است، چون باغ بی دیوار از آسیب مصنوع نیست و میوه و محصولی برای باغبان نمی ماند . هیچ کس هم با نام «آزادی» دیوار خانه خود را بر نمیدارد و شب ها در حیاطش را باز نمی گذارد، چون خطر و خنه دزد جدی است.

هیچ صاحب گنج و گوهری هم جواهرات خود را بدون حفاظ در معرض دید رهگذران نمی گذارد تا بدراخشد جلوه کند و چشم دل برباید، چون خود جواهر بوده می شود. هر چیز که قیمتی تر باشد، درصد مراقبت از آن بالاتر می رود، هر چه که نفیس تو باشد، بیم ریودن و غارت بیشتر است و مواظبت ، لازم تو.

اگر، در شیشه عطر را باز بگذاری عطرش می پرد. اگر رشته مرواریدی را در کمد و صندوق نگذاری و در آن را نبندی، گم می شود. گوهر عفاف را به بیانه چند نامه و نگاه و لبخند نفوروشنند.

زن به خاطر لطافتی که دارد، نباید در دست های خشن کامگویان دیو سیرتی، که نقاب مهریانی و عشق به چهره دارند، پیغمده شود و پس از اینکه گل عصمتش را چیدند، او را دور اندازند، یا زیر پایشان له کنند.

زن به خاطر عصمتی که دارد و میراث دار پاکی مریم است نباید بازیجه هوس و آلوده به ویروس گناه گردد. گوهر عفاف و پاکی، کم ارزشتر از طلا و پول و محصول باغ و وسائل خانه نیست. دزدان ایمان و غارتگران شرف نیز فراوانند.

اگر در مقابل پنجه خانه ات، توری نزنی، از نیش پشه ها و مزاحمت مگس ها در امان نخواهی بود. وقتی راه ورود پشه ها را می بندی، خود را مصنون ساخته ای، نه محدود و زندانی وقتی در خانه را می بندی یا پشت پنجه را تاقت پرده می آویزی، خانه خود را از ورود بیگانه و نگاه های مزاحم در پناه قرار داده ای، نه که خود را در قید و بند و حصار افکنده باشی.

اگر برای اینمی از خطرها و آسودگی از مزاحمان، خود را ببوشانی، نه کسی ایراد می گیرد و نه اگر هم ایراد بگیرد اعتمنا می کنی چرا که سخنش را بی منطق و نا آگاهانه می دانی و می بینی.

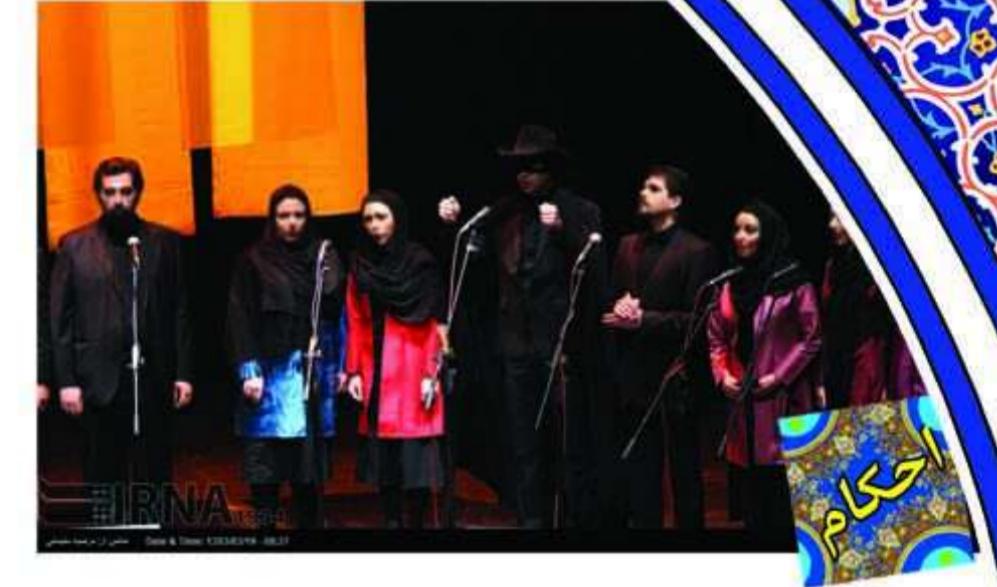
زن، به خاطر ارزش و کرامتی که دارد، باید محفوظ بماند و خود را حراج نگذارد و در بازار سوداگران شهوت، سادگی و خامی است که کسی خود را در معرض دید و تماشای نگاه های مسموم و چشم های نایاک قرار دهد و به دلبری و جلوه گزی بپردازد و خیال کند بیمار دلان و رهزنان عفاف را وسوسه نمی اندازد و از زهر گناه ها و نیش پشه های شهوت در امان خواهد بود.

بعضی از نگاه ها و ویروس گناه منتشر می کند و بعضی از چهره ها، حشره مزاحمت جمع می کند. خراب کردن همه دیوارها و برداشتن همه پرده ها و بازگذاشتن همه پنجه ها، نشانه تیره اندیشی است، نه روشنفکری!

علامت جاهلیت است نه تمدن ! نشانه نادانی است نه تجددا و نهایت خام خیالی است که فکر کنیم دزد حمله نمی کندا

و وقتی که حجابت را کاملاً رعایت می کنم، به نگاه نایاک و آلوده نامحرمان اجازه ورود به حریم مقدس عفاف خود را نداده ای ، نه اینکه خودت را مقيد و محدود ساخته باشی . به خودآ - که به خدا رسی

حرف دل



سوال: متسافنه گروه های سرود متشکل از پسران و دختران به شکل نامناسب در محافل به اجرای برنامه می پردازند، آیا تشکیل چنین گروه ها و شرکت در محافلی که آنها اجرای برنامه می کنند، چاپ عکس و ترویج آن توسط برخی مطبوعات یا پخش آن از تلویزیون چه صورت دارد؟

آیت الله خامنه ای: در صورت بدآموزی و ترتیب مفسده، حرام است و هر عملی که سبب ترویج حرام باشد حرام است.

آیت الله صافی گلپایگانی: امور مذکور در سوال، خلاف شرع و حرام است و مفاسد آن بر کسی پوشیده نیست.

آیت الله تبریزی: ترویج اموری که مبدأ فساد در جامعه شود جایز نیست.

آیت الله بهجت: جایز نیست.

آیت الله مکارم شیرازی: حرام است.



سوال: تشکیل کلاس های مختلط در برخی دانشگاه ها و مراکز آموزشی چه صورت دارد؟

آیت الله فاضل لنگرانی: اگر مفسده داشته باشد جایز نیست.

آیت الله بهجت: اختلاط مرد و زن حرام است.

آیت الله صافی گلپایگانی: معرض فساد است و جایز نیست.

آیت الله تبریزی: اختلاط مرد و زن به صورتی که در معرض فساد و محرمات باشد جایز نیست، چنانچه در معرض این باشد که برخی به جهت آن به حرام بیفتند.

آیت الله سیستانی: اگر مستلزم مفسده باشد جایز نیست.

آیت الله مکارم شیرازی: اگر بتوانند جداسازی کنند بهتر است.

كتاب امين - ص ۲۷۲